فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره چهل‌ونهم، بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۶

انگاره مسیحیت و مسیحیان در سیره رسول خدا ﷺ

محمّدرضا محمّدی[۱]
عباس احمدوند[۲]
عبدالله فرهی[۳]

چکیده

دین مسیحیت شش قرن پیش از اسلام با رسالت حضرت عیسی علیه‌السلام در سرزمین فلسطین پدید آمد و به مرور مسیحیان در جزیرةالعرب نیز پراکنده شدند. با ظهور اسلام به‌عنوان آخرین دین ابراهیمی در حجاز، با توجّه به پیشینه توحیدی مسیحیت و تماس‌های ناگزیر مسلمانان با مسیحیان، مواجهه و گفت‌وگو از مسیحیت و پیروان آن در قرآن کریم امری ناگزیر نمود. پیامبر اسلام ﷺ نیز در طول دوران بعثت بر اساس تعالیم قرآن کریم و انگاره برخاسته از آیات مربوط به مسیحیت و مسیحیان به مواجهه با آنان پرداخت و در نوع ارتباط با مسیحیان به اقتضای زمان و مکان، تدابیری از گفت‌وگو تا برخورد همچون هجرت به حبشه، گفت‌وگوهای گروهی و فردی با مسیحیان، ارتباط‌گیری با حاکمان مسیحی از طریق نامه‌نگاری، پیمان‌نامه صلح با قبایل مسیحی و یا برخورد نظامی با آنان را برگزید. این تدابیر در چارچوب انگاره ارائه شده در قرآن کریم بوده‌است. در این مقاله با روش زمینه‌شناسی تاریخی و با بهره‌مندی از رویکرد تاریخ‌انگاره تلاش شده‌است تا با توجّه به تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای مذکور، به خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیت و مسیحیان و انگاره شکل یافته سیره نبوی نسبت به مسیحیت و مسیحیان دست یافت.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری انگاره‌ای، مسیحیت در سیره نبوی، هجرت به حبشه.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mohammadreza.3748@gmail.com
۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. a_ahmadvand@sbu.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. farrahi@mazaheb.ac.ir
تاریخ دریافت: ۰۲/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۴/۰۲

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

The Image of Christianity and Christians in Sira of the prophet Mohammad (PBUH)

Mohammad Reza Mohammadi[1]
Abbas Ahmadvand[2]
abdullah Farrahi[3]

Abstract

Christianity emerged six centuries before Islam by Christ in Palestine, and Christians gradually dispersed in the Arabian Peninsula. Considering the monotheistic background of Christianity, the inevitable contact of Muslims with Christians and the emergence of Islam as the last Abrahamic religion in Ḥijāz, it was unavoidable to confront and discuss Christianity and its followers in the Quran. During his prophet hood, Muhammad dealt with Christians based on the teachings of the Qur'an and the concept arising from the verses related to Christianity and Christians, and in the type of communication with Christians, depending on the time and place, measures from dialogue to confrontation such as migration to Abyssinia, Individual and group discussions with Christians, communication with Christian rulers through letter writing, peace treaty with Christian tribes or military treatment with them. These measures are in the framework of the concept presented in the Quran. In this article, an attempt has been made to achieve the Prophet's reading of Christianity and Christians and the formed concept of the prophetic life about Christianity and Christians by using the method of historical context and Conceptual History taking into mentioned reports about interactions, conversations, and encounters.

Keywords: History of ideas historiography, Christianity in Sira of the prophet, Immigration to Abyssinia.

1. Ph. D. candidate of Islamic history, Islamic Denominations International University, Tehran. Iran (corresponding author). mohammadreza.3748@gmail.com
2. Associate professor, department of Islamic history and civilization, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran. a_ahmadvand@sbu.ac.ir
3. Assistant professor, department of Islamic history, Islamic Denominations International University. farrahi@mazaheb.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

درآمد

در آستانه ظهور اسلام (قرن هفتم میلادی)، شبه‌جزیره عربستان، به سبب شرایط جغرافیایی خاصِ بیابانی و امکان پناه‌یابی در آن، مأمن بسیاری از پیروان ادیان توحیدی چون یهودیت، مسیحیت و یا ادیان غیر توحیدی چون بت‌پرستی و ستاره‌پرستی بود. در میان ادیان توحیدی، مسیحیت در گوشه و کنار شبه‌جزیره، نمود و بروز بیشتری داشت. مسیحیت از اطراف جزیرةالعرب و از طُرُق متعددی وارد این سرزمین شد. علّت انتشار مسیحیت در جزیرةالعرب، به تأثیر اقدامات چهار مرکز مسیحی برمی‌گردد که در مجاورت سرزمین‌های عرب قرار داشتند؛ این چهار مرکز، شامات (سوریه) در شمال غربی، عراق در شمال شرقی، حبشه در غرب دریای احمر و نجران در جنوب شبه‌جزیره هستند (سالم، ٤٨٢). با توجّه به تبلیغ مسیحیت از مراکز مسیحی مجاور با اغراض دینی و سیاسی، تا پیش از ظهور اسلام قبایل عرب متعددی با این دین آشنا شده و تمام یا گروهی از آن قبیله یا طایفه به مسیحیت گرویده بودند. بنابر نقل برخی از مورّخین، گروهی از قبیله قریش از بنی أسد بن عبدالعزّی که عثمان بن حُوَیرِث بن أسد و وَرَقة بن نوفل بن أسد از آنان است، مسیحی شدند و نیز بنو إمرؤالقیس بن زید از بنی تمیم، بنی تَغلِب از ربیعه و طَیء، مَذحِج، بَهراء، سُلَیح و تَنوخ از قوم قضاعه، لَخم و گروهی از غَسّان از یمن مسیحی شدند (یعقوبی، ٢٥٧/١؛ ابن قتیبه دینوری، ٦٢١؛ مسعودی، ٨٢/٢-٨٣). برخی از افراد تأثیرگذار و مشهور در جاهلیت همچون عدی بن زید عبادی نیز بر آئین مسیحیت بودند (علی، ١٩٧/١٢). به اعتقاد برخی از مستشرقان، مسیحیت رایج در میان عرب پیش از اسلام در شبه‌جزیره، معمولاً مسیحیت یعاقبه و نسطوریه بوده‌است (ژیلیو، ٥٧؛ پیگولوسکایا، ٦١٢)؛ گرچه در برخی از مناطق همچون شرق جزیرةالعرب، نسطوریه مذهب غالب بود (علی، ١٩٧/١٢).

رسول خدا ﷺ ٢٣ سال در میان مردم به تبلیغ آموزه‌های دینی و وحیانی خود پرداخت و در این مدّت محل استقرار ایشان دو شهر مکّه و مدینه (یثرب) بود. عمده ساکنان مکّه، قبایل مشرک و بت‌پرست بودند و ادیان یهود و نصارا کمتر در آنجا سکونت داشتند و حنفای ابراهیمی نیز در اقلیت بودند که نام برخی از آنان از جمله

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

عبدالمطلب، پدر بزرگ رسول اکرم ﷺ، در گزارش‌های تاریخی آمده است (یعقوبی، ۱۰/۲-۱۱). شهر مدینه (یثرب) محل سکونت دو قبیله مشرک اوس و خزرج بود امّا قبایل یهودی متعددی در مدینه و اطراف آن سکونت داشتند و همین امر باعث آشنایی بیشتر مردم مدینه با ادیان ابراهیمی شده بود. مسیحیان عمدتاً در شمال و جنوب حجاز بودند و بر پایه روابط تجاری با قبایل مکّه و مدینه ارتباط اقتصادی داشتند. آنها پس از ظهور اسلام در مکّه و خصوصاً تشکیل حکومت دینی در مدینه، روابط و تعاملاتی با پیامبر ﷺ داشتند. چگونگی رویکرد رسول خدا ﷺ در مواجهه با مسیحیان به عنوان اهل کتاب و چیستیِ خوانش برخاسته از مجموع گفتگوها، تعاملات و برخوردهای ایشان با مسیحیت و مسیحیان، پرسشی است که در این نوشتار بدان پاسخ داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران متعددی به تعاملات و روابط میان رسول خدا ﷺ و مسیحیان پرداخته‌اند. مُراد (۱۳۹۹ش) در پرداخته همچون مقاله «مسیحیت و مسیحیان در سیره نبوی» به گزارش تاریخی رویارویی‌های پیامبر ﷺ و مسیحیان اشاره کرده است. همچنین گُدارد (۱۳۹۸ش) در فصل دوم از کتاب *تاریخ روابط اسلام و مسیحیت* اشاره مختصری به برخوردها و مواجهه پیامبر ﷺ با مسیحیان داشته است. سعادت (۱۳۸۵ش) در مقاله «سیره سیاسی و مبارزاتی پیامبر اعظم ﷺ با اهل کتاب» اشاراتی به مباهله و برخوردهای نظامی پیامبر ﷺ با مسیحیان داشته است. علی بیگی و همکاران (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای با عنوان «مواضع سیاسی – نظامی پیامبر ﷺ در مواجهه با مسیحیان جزیرةالعرب» به بررسی برخوردهای نظامی و سیاسی رسول خدا ﷺ با مسیحیان شمال شبه‌جزیره و تعاملات ایشان با مسیحیان جنوب شبه‌جزیره پرداخته است. مریم و معصومه یدالله‌پور (۱۳۹۱ش) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ با مسیحیان جزیرةالعرب»، رویارویی‌های نظامی، تعاملات فرهنگی، عهدنامه با مسیحیان نجران و پرداخت جزیه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

پیری اردکانی (۱۳۹۱ش) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مناسبات فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در سده نخستین هجری»، مواجهه حاکمان مسلمان با مسیحیان از صدر اسلام تا بخش زیادی از دوران خلفای اُموی را بیان کرده است. با این همه این پژوهش‌ها، به نقل گزارش‌های تاریخی اکتفا کرده و با رویکرد تاریخ انگاره به دنبال به دست آوردن خوانش رسول خدا ﷺ از مجموع تعاملات، گفتگوها و برخوردها به‌عنوان یک الگوی رفتاری نبوده‌اند. شناخت و معرفی خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیت و مسیحیان در واقع شناخت انگاره اصیل اسلامی همنوا با قرآن کریم درباره مسیحیان است که می‌تواند یک الگوی صحیح و کارآمد و نقشه راه برای جوامع اسلامی حاضر در مواجهه با اهل کتاب باشد.

مفهوم‌شناسی

۱- انگاره

واژه انگاره در لغت به معانی مختلفی همچون تصوّر، پندار و گمان، نقش ناتمام، طرح و نقشه، تخمین، از سرگرفتن سرگذشت و افسانه به صورت مکرر (انگاره کردن) و دفترِ حساب آمده است (دهخدا، ۲٦٦/۱). اصطلاح تاریخ نگاری انگاره‌ای به عنوان شاخه‌ای از تاریخ نگاری فرهنگی به تازگی و در چند سال اخیر به محافل علمی و دانشگاهی ما معرفی شده‌است. در واژه تاریخ انگاره دو خصوصیت مهم وجود دارد: نخست آنکه اجتماعی است و از ساحت فردی کاملاً بیرون است و دیگر آنکه حاصل یک فرایندِ تاریخ‌دار است یعنی فرایندی که یک انگاره از شکل‌گیری نخستین تا رسیدن به حد یک تصویرِ ساخت‌یافته را طی کرده است. بنابراین یک انگاره یک امر اجتماعی- تاریخی است و نقش پژوهشگر در ارتباط با آن از مقوله کشف است نه تعریف (گرامی، ۷). در این نوشتار نیز دو مفهوم مسیحیت و مسیحیان که پیش از اسلام در اذهان مردم حجاز وجود داشت را در چارچوب تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای پیامبر اسلام ﷺ با آنان واکاوی کرده تا خوانش و انگاره ساخت‌یافته از سیره نبوی کشف شود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

۲- مسیحیت و مسیحیان

وقتی سخن از مسیحیت به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی می‌شود، مفاهیم متعددی همچون حضرت عیسی مسیح، حضرت مریم، کتاب مقدس، حواریون، پسر خدایی، آموزه تثلیث و الوهیت مسیح و مانند اینها در ذیل آن قرار می‌گیرد که در واقع این آئین بدان مفاهیم شناخته می‌شود. این مفاهیم صرفاً مفاهیم ذهنی نیستند بلکه خود، واقعیت‌های خارجی در زمانه‌ای و یا آموزه‌هایی شکل یافته در گذر تاریخ هستند. بنابراین سخن از مسیحیت به عنوان یک دین، سخن از آموزه‌های اصلی و ارکان بنیادین آن دین است که فعل و انفعالات، کنش‌ها و واکنش‌ها و اوامر و نواهی را برای پیروان خود تعیین و تشریح می‌کند تا پیروان آن به عنوان مسیحیان با التزام و تمسّک به آن آموزه‌ها، خود را به اهداف متصوَّر در آن دین نزدیک کنند.

تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان از گفت‌وگو تا برخورد

رسول الله در مدّت رسالت خویش در مکّه و مدینه با مسیحیان تعامل داشت. بررسی این تعاملات از برخورد تا گفت‌وگو می‌تواند ما را در یافتن خوانش پیامبر ﷺ از مسیحیت و مسیحیان یاری کند. در این نوشتار، مواجهه‌ها و تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان از مکّه تا مدینه بر اساس ترتیب زمانی مورد مداقّه و بررسی قرار گرفته است؛ اگرچه در مواردی با توجّه به اقتضائات و عناوین نوشتار، زمان وقوع رویدادها مورد توجّه قرار نگرفته است.

۱- مهاجرت به حبشه

رسول خدا ﷺ در ایام تبلیغ در مکّه با وجود تلاش‌های فراوان با مخالفت اشراف مکّه در مقابل توحید و اصرار آنان بر بقای بر بت‌پرستی و تعصّبات جاهلی مواجه شد. همه ماجرا به این مخالفت و اصرار بر بت‌پرستی خودشان برنمی‌گشت بلکه آنان وقتی از کارکرد اجتماعی توحید در تعالیم دین جدید حضرت محمد ﷺ یعنی عدالت محوری، کرامت و مساوات جایگاه انسانی آگاه شدند، به مبارزه با آن پرداختند (زرگری‌نژاد، ۲٤٦) و علاوه‌بر تقابل با رسول خدا ﷺ، به شکنجه و آزار و اذیت تازه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

مسلمانان مستضعفین مکّه پرداختند. از این‌رو رسول‌الله در سال پنجم بعد از بعثت به مسلمانان برای حفظ جانشان و رهایی از فشار کفّار قریش، سفارش کرد تا به حبشه هجرت کنند (ابن‌اثیر، ۷۷/۲). ایشان فرمود: «اگر از اینجا خارج شوید و به سرزمین حبشه بروید، در آنجا حاکمی است که نزد او و در سایه حمایت او به کسی ظلم نمی‌شود و آنجا سرزمین صدق و راستی است. در آنجا بمانید تا خدا گشایشی نسبت به وضع فعلی شما ایجاد کند و شما را از آزار آنان نجات دهد» (ابن هشام، ۳۲۱/۱).

بر اساس این گزارش رسول خدا ﷺ، نجاشی مسیحی را حاکمی عادل و سرزمین وی را سرزمین درستی و صداقت معرفی کرد. این تصویر در زمره اولین خوانش‌هایی بود که پیامبر ﷺ پس از بعثت، از مسیحیان ارائه کرد. خوانشی که در آن حاکم مسیحی، انسانی عادل و حق‌محور و امّت وی، مردمی اهل صدق و صفا خوانده شده‌اند. این خوانش را می‌توان همنوا با آیه ۸۲ سوره مائده دانست که در آن مسیحیان را در مودّت و محبّت مشتاق‌تر معرفی می‌کند: «یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت؛ و البته نزدیک‌ترینشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس‌اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبّر نمی‌کنند».

پیرو این سفارش، عده‌ای از مسلمانان در سال پنجم بعثت از مکّه به سوی حبشه هجرت کردند. به گزارش یعقوبی (۲۹/۲) در مرحله اول دوازده مرد و در مرحله دوم هفتاد مرد به‌جز فرزندان و زنانشان به حبشه هجرت کردند. رهبر مهاجرین مرحله دوم جعفر بن ابی‌طالب بود. قریشیان که از برخورد مسالمت‌آمیز نجاشی با مسلمانان آگاه شدند، عمرو بن عاص و عبیدالله بن أبی ربیعه (در برخی منابع نام عماره بن ولید مخزومی در کنار عمرو بن عاص آمده است) را با هدایایی برای نجاشی و درباریان وی به سوی حبشه فرستادند. نجاشی مهاجرین را فراخواند و مهاجرین نزد وی و درباریان وارد شدند. پادشاه از دین آنان و رویگردانی از دین اشرافشان پرسید. از میان مهاجرین، جعفر بن أبی طالب سخن گفت و برای نجاشی وضعیت شرک و فساد عصر جاهلیت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

در حجاز را ترسیم و دعوت رسول اسلام به توحید، صداقت و دوری از شرک و فساد را برای وی تشریح کرد و در خصوص جایگاه حضرت عیسی علیه‌السلام در اسلام برای نجاشی آیات سوره مریم را تلاوت کرد. با شنیدن آن آیات، اشک از دیدگان نجاشی جاری شد (ابن هشام، ۳۳٤/۱-۳۳٦). سپس نجاشی مهاجرین را آسوده خاطر ساخت که هرگز آنان را به قریش نخواهد سپرد. مسلمانان در آنجا به سلامت در کنار مردم حبشه زندگی کردند (یعقوبی، ۳۰/۲).

هشت سال بعد، سی و سه نفر از مردان و هشت نفر از زنان مسلمان پس از هجرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، به مدینه بازگشتند و مابقی در آنجا ماندند تا آنکه در سال هفتم هجری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نامه‌ای به سوی نجاشی ارسال و وی را دعوت به اسلام کرد. نجاشی بلافاصله پذیرفت و در ضمن نامه‌ای اسلام خود را اعلام کرد و سپس در آن سال جعفر و دیگر مسلمانانِ باقی مانده از حبشه به مدینه بازگشتند (ابن سعد، ١٦٢/١).

۲- گفت‌وگو و رفتار کریمانه

یکی از انواع تعاملات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با مسیحیان، گفت‌وگوی چهره به چهره برای تبیین حقایق تعالیم اسلام همراه با اخلاق کریمانه و گستراندن بال‌های عفو و رحمت نسبت به آنان بود. چه در ایامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکّه و تحت فشارهای اجتماعی مشرکان قریش و چه زمانی که ایشان در مدینه صاحب حکومت دینی و سیاسی بودند، همواره یکی از عواملی که باعث کشف حقیقت برای اهل کتاب و مشرکین می‌شد، همین اخلاق کریمانه ایشان در قول و فعل بوده‌است. از این‌رو عده‌ای از مسیحیان که در جستجوی حقیقت بوده‌اند، تحت تأثیر گفتار و رفتار کریمانه و رئوفانه ایشان قرار گرفته و مسلمان شدند. اکنون چند مورد از مواجهه گروهی یا فردی مسیحیان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌شود:

الف) ماجرای ایمان آوردن جمعی از مردم نجران

در ایامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکّه بود، روزی حدود بیست نفر از مسیحیان حبشه – و شاید مسیحیان نجران – که خبر نبوّت آن حضرت را شنیده بودند جهت تحقیق به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

مکّه آمده و برای ملاقات و گفتگو با ایشـان وارد مسـجدالحرام شـدند. در آنجـا رسـول خدا ﷺ را دیدند و پرسش‌های خود را پرسیدند و برای هر یک پاسخی دریافتند. پـس از اتمام پرسش‌ها، پیامبر ﷺ آنان را به دین اسلام دعوت کرده و آیـاتی از قـرآن بـرای آنان تلاوت فرمود. وقتی آن آیات مقدّس را شنیدند، چنان تحت تـأثیر قـرار گرفتنـد کـه اشک از دیدگانشان سرازیر شد و مسلمان شدند و رفتند (ابن هشام، ۳۹۱/۱-۳۹۲).

قرآن کریم در وصف مسـیحیانِ در جسـتجوی حقیقـت مـی‌فرمایـد: «[و برخـی از] کسانی که پیش از قرآن کتابشان دادیم، به قرآن ایمان می‌آورند و هنگامی کـه بـر آنـان خوانند، می‌گویند: به آن ایمان آوردیم، یقیناً ایـن قـرآن از سـوی پروردگارمـان حـق و درست است، البته ما پیش از نزول آن [به سبب راهنمایی‌های تورات و انجیـل] تسـلیم بودیم. اینان دوبار پاداش می‌گیرند چون صبر [بر ایمان و عمل به قرآن] کردنـد و بـدی [مردم] را با نیکی و خوبی خود دفع می‌کنند و از آنچه به آنان روزی کـرده‌ایـم، انفـاق می‌کنند» (قصص/۵۲-۵٤).

ب) ایمان آوردن عَدّاس و عدی بن حاتم طائی

بعد از رحلت حضرت ابوطالب علیه‌السلام، کار تبلیغ در مکّه بر پیـامبر ﷺ بسـیار سـخت شد لذا برای برون رفت از این بن‌بست تبلیغی تصمیم گرفت تا به طائف سفر کند و مردم قبیله را به اسلام دعوت نماید. در آنجا با سه فرزند عمرو که از سران ثقیف بودند گفتگو کرد ولی با برخورد سرد و انکارآمیز آنان مواجه شد. به نظر می‌رسد ایـن برخـورد تحـت تأثیر فشار سران قریش مکّه بود؛ چنانکه عُتبَه و شَیبَه فرزندان ربیعه از پیشتازان دشمنی با پیامبر ﷺ، در آنجا حضور داشـتند و نـاظر وقـایع بودنـد (طبـری، ۳٤٦/۲). در نهایـت عدّه‌ای از اهل طائف به سوی حضرت سنگ پرت کردند تا جایی که پای ایشـان زخمـی شد. پیامبر ﷺ برای در امان ماندن از آنان به باغی که متعلق به همان فرزندان ربیعه بود پناه آورد و به دیواری تکیه داد تا اینکه غلامی به نام عدّاس مسیحی با ظرفی از انگور نزد ایشان آمد. پیامبر خدا ﷺ با محبّت و مهربانی با وی گفتگو و از یونس نبی که همچون عَدّاس، اهل نینوا بود، یاد کرد. سخنان و گفتار محبت‌آمیز رسول خدا ﷺ انقلابی درون

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

آن مرد مسیحی ایجاد کرد و دانست که با یکی از انبیای الهی ملاقات کرده است؛ لذا همانجا پیشانی و دست و پای پیامبر ﷺ را بوسید و مسلمان شد (بیهقی، ٦٧-٦٨).

از دیگر مسیحیانی که خود نزد رسول‌الله آمده و مسلمان شد، عدی بن حاتم طائی، رئیس قبیله طَیء و بزرگ مسیحیان حجاز بود. وی در سال نهم هجری، پس از حمله مسلمانان به شام گریخت درحالی که خواهرش اسیر شد. وی پس از آزادی خواهرش به خاطر رحمت و توجّه خاص رسول خدا ﷺ به این خانواده، به سفارش خواهرش به مدینه نزد پیامبر ﷺ آمد و با دیدن حُسن خلق و تواضع ایشان در مقابل مردم، دریافت که این نوع برخورد لاجَرم از سوی یک نبی است نه یک پادشاه و مسلمان شد (ابن اثیر، ٢٨٥/٢-٢٨٦). خُلق عظیم، برخورد رئوفانه و عفو کریمانه پیامبر ﷺ با مسیحیانی همچون عَدّاس و عدی بن حاتم و خواهرش باعث گرایش آنان به اسلام شد. این خُلق عظیم نبوی که همواره عاملی در جذب طالبانِ فطرت و دعوت آنان به سوی توحید اصیل ابراهیمی بود، نشان از اهتمام حضرت به دعوت مسیحیان به سوی حقیقت دارد چنانکه قرآن کریم نیز در خصوص دعوتِ اهل کتاب فرمود: «قُل یا اهلَ الکِتابِ تَعالَوا إلی کَلِمةٍ سَواءٍ بینَنا و بینَکم ألّا نَعبُدُ إلّا اللهَ و لانُشرِکَ بِهِ شیئاً...» (آل‌عمران/٦٤).

٣- نامه به ملوک دیگر سرزمین‌ها

در اواخر سال ششم یا اوایل سال هفتم هجری (ابن هشام، ٣٠٨/٢؛ طبری، ٦٢٠/٢؛ بلاذری، *انساب*، ٣٤٩/١؛ ابن سعد، ٩٢/٢). رسول خدا ﷺ به همراه گروهی از مسلمانان برای به‌جا آوردن اعمال حج به سوی مکّه رفت که این سفر پیش از ورود به شهر مکّه به صلح حدیبیه با مشرکان مکّه منتهی شد. پس ازآن، پیامبر ﷺ بر اساس رویکرد قرآن کریم در آیه ٦٤ سوره آل‌عمران[1] برای گسترش اسلام و هدایت جهانی به توحید اصیل ابراهیمی، نامه‌هایی به سوی پادشاهان و ملوک سرزمین‌های مختلف ارسال کرد.

رسول اکرم ﷺ دِحیَه بن خلیفه را به همراه نامه‌ای به سوی هِرِقل قیصر روم،

١. «قُلْ یَاأَهْلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْاْ إِلیَ کَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَیْنَنَا وَ بَیْنَکمُ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشرِکَ بِهِ شیئاً و لَا یَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُولُواْ اشْهَدُواْ بِأَنَّا مُسْلِمُون».

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

عبدالله بن حُذافَه را به سوی خسرو پرویز پادشاه ایـران، عمـرو بـن اُمیَّـه را بـه سـوی نجاشی پادشاه حبشه، حاطِب بن أبی بَلتَعَه را به سوی مُقَوقِس پادشاه اسکندریه، عمـرو بن عاص سَهمی را به سوی جَیفَر و عَبَّاد دو فرزند جُلُنـدَی حاکمـان عمـان (مقریـزی، ۳٦/۲؛ بلاذری، *انساب*، ۲۷۸/۱۰، نام برادر جَیفَر را عمرو یا عبد ذکر کرده‌اند)، سَلیط بن عمرو را به سوی ثُمَامَه بن اثال و هَوذَه بن علی حاکمان یَمامه، عَلاء بن حَضرَمی را بـه سوی منذَر بن ساوی پادشاه بحرین، شجاع بن وَهب را به سوی حارث بـن أبـی شَـمِر غسّانی پادشاه شامات (یا جَبَلَة بن أیهَم آخرین پادشاه غَسّانی)، مُهاجر بن ابی اُمیه را بـه سوی حارث عبد کُلَـال پادشـاه حِمیَـر فرسـتاد (ابـن هشـام، ٦۰۷/۲؛ بـلاذری، همـان، ۵۳۱/۱). با توجّه به محتوای نامه‌ها و گزارش‌های تاریخی (ابـن‌کثیـر، ۳۲۵/۲، ۱۸۰/٤، ٦۳/۸)، برخی از این ملـوک همچـون ملـوک روم، اسـکندریه، حبشـه و شـام (ملـوک غسّانی) بر آئین نصرانیت بودند. همچنین شعر أعشی در مدح هوذه بـن علـی نشـان از مسیحی بودن وی دارد (علی، ۱۹۷/۱۲).

آن نامه‌ها به طور کلّی دارای مفاهیم واحدی بودند؛ گرچـه بـا الفـاظ متفـاوتی بیـان شدند. محتوای نامه‌ها دعوت به توحید و اسلام و تمسک به آیه ٦٤ سوره آل‌عمران بود که خطاب به اهل کتاب نازل شده‌است (یعقوبی، ۷۸/۲). رسول خدا ﷺ در نامه‌ای به پادشاه روم وی را از شریک قائل شدن در ربوبیت خداوند یکتا برحذر داشت. این امـر اشاره به ردّ اعتقاد به الوهیت مسیح و تثلیث دارد. رسول خدا ﷺ به صراحت آمـوزه کلیدی مسیحیت را گمراه کننده و اسلام را عامل نجـات و رسـتگاری معرفـی کـرد. از آنجا که اسلام آوردن وی باعث اسلام آوردن ملّت روم نیز می‌شد، پیـامبر ﷺ وی را مستحق دو پاداش دانست و بالعکس در صورت بقای بر مسـیحیت وی را مسـتحق دو عذاب دانست؛ یکی به دلیل شرک خود در اعتقاد به تثلیث و دیگـری بـه دلیـل شـرک ملّت روم در تبعیت از مسیحیت.

پس از این نامه‌ها برخی از ملوک، مسلمان شدند و برخی مُصرّانه بر مسلک خود باقی ماندند. قیصر روم بر نصرانیت باقی ماند از ایـن‌رو دحیـه، سـفیر پیـامبر ﷺ، محتـوای دعوت را به ضغاطر، اسقف أعظم روم عرضه کرد و او پس از تأمل، پاسخ داد: «بـه خـدا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

صاحب تو نبی مرسل است و ما صفات او را در کتاب خود دیده‌ایم. سپس عصای خود را برداشت و نزد رومیان در کلیسا رفت و آنان را به نبوّت پیامبر اسلام دعوت کرد و خود در میان آنان بر وحدانیت خدا و رسالت وی شهادت داد. رومیان بر او شوریدند و وی را کشتند» (طبری، ٦٥٠/٢). مَقوقس پادشاه اسکندریه با خواندن نامه پیامبر ﷺ مسلمان نشد امّا با احترام، به نامه پاسخ داد و چهار کنیز به همراه هدایایی به مدینه فرستاد که یکی از کنیزان ماریه قبطیه بود که پیامبر ﷺ از وی صاحب پسری به نام ابراهیم شد (طبری، ١٦٧/٣). جارود بن عمرو که از رجالِ مسیحیِ بحرین بود، نزد رسول‌الله آمد و به همراه یارانش مسلمان شد و تا پایان عمر بر اسلام باقی ماند (علی، ١٩٨/١٢).

پادشاه دیگر، حارث بن أبی شمر غسّانی فرمانروای نصرانی دمشق بوده که پس از خواندن نامه با غرور گفت: «چه کسی می‌خواهد پادشاهی مرا از من بستاند». او تصمیم حمله به مدینه را در سر داشت. پیامبر ﷺ وی را نفرین کرد که «پادشاهی‌اش از دست برود» و چنین شد (ابن خلدون، ٤٥٠/٢). در خصوص جَبله بن أیهَم نیز گزارش‌هایی مبنی‌بر ارسال نامه پیامبر ﷺ توسط شجاع بن وهب به وی وارد شده‌است امّا به نظر می‌رسد که شجاع بن وهب صرفاً حامل نامه به سوی حارث بن أبی شمر بوده‌است چرا که جبله بن أیهم در سال هشتم هجری و پس از درگذشت حارث بن أبی شمر به پادشاهی رسید (مقدسی، ٢٣٨/٤). وی در واقعه یرموک در سال پانزدهم هجری و در دوران حکومت عمر بن خطاب، با لشکری به یاری قیصر روم شتافت و در مقابل سپاه مسلمانان جنگید و شکست خورد (یعقوبی، ١٤١/٢). پس از فتح شام توسط مسلمانان، او مسلمان شد امّا مدتی بعد به دلیل تکبّر و ممانعت از قصاص، مرتد شد و بر آئین نصرانیت شبانه به سوی قسطنطنیه نزد قیصر روم گریخت (ابن اعثم، ٢٣٢/١-٢٣٣).

در میان ملوک، برخورد أصحم، نجاشیِ حبشه با دعوت رسول خدا ﷺ کاملاً متفاوت بود. پیامبر ﷺ عمرو بن امیه ضَمری را به همراه نامه‌ای به حبشه فرستاد. این نامه علاوه‌بر دعوت به توحید و اسلام، حاوی سفارش درباره جعفر بن أبی‌طالب و دیگر همراهانش بود که از سال‌ها قبل از مکّه به حبشه مهاجرت کرده بودند. متن نامه به شرح ذیل است: «به نام خداوند بخشاینده مهربان. از محمّد رسول خدا به نجاشی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

اصحم پادشاه حبشه. سلام بر تو باد! من خداوند یکتا، آن پادشاه، آن قدوس، آن سلام، آن مؤمن و آن مهیمن را سپاس می‌گویم و شهادت می‌دهم که عیسی روح خدا و کلمه اوست که آن را به مریم طیبه بتول آن زن پاکدامن افکنده است و او به عیسی حامله شده؛ پس عیسی را از روح و نفخه خود آفرید، چنانکه آدم را به دست و نفخه خود آفریده است. تو را به خدای واحد که شریکی ندارد، دعوت می‌کنم و تو را به فرمانبرداری از او، فرا می‌خوانم. از من پیروی نما و به آنچه بر من نازل شده‌است، ایمان بیاور که من رسول خدا هستم. پسر عم خود جعفر را با گروهی از مسلمانان نزد تو فرستادم. پس چون نزد تو آمدند تو ایمان بیاور و سرسختی فرو گذار. من تو را و سپاهت را به خدا می‌خوانم. هر آینه سخن خود و اندرز خود به تو رسانیدم. پس اندرز من بپذیرید. و سلام بر آنان که از هدایت پیروی می‌کنند» (ابن خلدون، ۲/۴۵۰-۴۵۱).

در این نامه، رسول خدا ﷺ از حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام و مادرش مریم مقدّس به نیکی و با احترام یاد کرده است و مسیح را صریحاً مخلوق و زاده مخلوق خوانده که هرگز جایگاه الوهیت نداشت و با نفی شریک برای الله، تثلیث را مردود دانست. پیامبر ﷺ در این نامه در عین حفظ احترام نجاشی و دوری از تکبّر، به صراحت حقّانیت دعوت خود را بیان و از هر نوع تکلّف و ابهام‌گویی محافظه‌کارانه در کلام خودداری کرد. چنانکه رویکرد قرآن کریم در ارائه تصویری از حضرت مسیح، مادرش مریم مقدّس و باورهای دینی مسیحیان نیز همین‌گونه است. قرآن کریم از سویی حضرت عیسی علیه‌السلام را عبد خدا، آبرومند در دنیا و آخرت و مقرّب درگاه الهی معرفی کرده است (زخرف/ ۵۹، آل‌عمران/۴۵) و از مادرش مریم مقدّس به عنوان بانویی پاک یاد می‌کند که دارای طهارت روحی و از برترین زنان عالم است (آل‌عمران/۴۲) و از سوی دیگر به صراحت اعتقاد به الوهیت مسیح و سه‌گانه‌پرستی را برابر با کفر (مائده/۱۷، ۷۲) و به صلیب رفتن وی را باطل دانسته است (نساء/۱۵۷-۱۵۹).

۴- پیمان صلح با مراکز مسیحی

یکی از تعاملات پیامبر ﷺ با مسیحیان، پیمان صلح و دریافت جزیه از آنان است. این

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

رویکرد برخاسته از آیات قرآن کریم است. قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره توبه حکم دریافت جزیه و پیمان صلح را بیان می‌کند: «با کسانی [از اهل کتاب] که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمارند، و دین حق را نمی‌پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که متواضع و فروتن‌اند، جزیه بپردازند».

در ابتدای این آیه، به جهاد و پیکار با اهل کتاب حکم شد امّا این حکم، مشروط به عدم مصالحه بر جزیه است و با پذیرش صلح و پرداخت جزیه، جواز حکم به پیکار با مسیحیان رفع می‌شود چرا که بنای قرآن کریم و سیره نبوی بر تعامل با اهل کتاب به دلیل ریشه وحیانی و ابراهیمی دینشان بوده‌است و شاهد بر آن پیمان‌نامه‌های صلح با مناطق و قبایل مختلف مسیحی و یهودی از ابتدای حکومت اسلامی تا رحلت رسول خداست. اکنون چند مورد از پیمان‌نامه‌های رسول خدا ﷺ با قبایل مسیحی بیان می‌شود:

پس از فتح مکّه و تسلّط بر قبایل بزرگ و تسلیم شدن مشرکان قریش در مقابل مسلمانان، قبایل متعددی در شبه‌جزیره به اسلام روی آوردند و هیئت‌های مختلفی در سال نهم و دهم هجری به مدینه آمدند. از جمله هیئتی شصت نفره از مسیحیان نجران (سرزمین مسیحی‌نشین در یمن) در سال دهم هجری به مدینه آمدند که ١٤ نفر از آنان از اشراف نجران بودند (ابن هشام، ۵۷۳/۱؛ ذهبی، ٦٩٥/٢). آنان در وقت عصر وارد مسجد پیامبر ﷺ شدند و پس از زمانی وقت نمازشان فرا رسید و آماده نماز شدند. رسول خدا ﷺ فرمود : «آنان را به حال خود واگذارید (تا هر طور که می‌خواهند نماز گزارند)». بزرگانشان سه نفر به نام‌های عبدالمسیح، ابوحارثه و أیهَم (عاقب، اسقف و سید) بودند. وقتی نزد رسول‌الله رسیدند، به بحث وگفتگو پرداختند و حاضر به پذیرش اسلام نشدند. سپس آیات آغازین سوره آل‌عمران و آیه مباهله نازل شد (آل‌عمران/٦١؛ ابن هشام، ۵۷۳/۱-۵۷٤، ۵۸۲).

با نزول آیه مباهله از پیامبر ﷺ خواسته شد تا به آنان بگوید با فرزندان، زنان و جان‌هایشان برای مباهله و تعیین حقانیت از سوی خدا بیایند و آنان پذیرفتند. در وقت صبح رسول خدا ﷺ درحالی که دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفته و فاطمه‌از پشت سر و علی علیه السلام در پیش رویش بودند، بیرون آمدند (یعقوبی، ۸۲/۲؛ ابن اثیر، ۲۹۳/۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

اشراف نصارا با دیدن آنان گفتند به خدا قسم اینان کسانی‌اند که اگر خدا را قسم دهند تا کوه فرو ریزد، فرو می‌ریزد. پس مباهله نکردند و به جزیه صلح کردند (مقریزی، ۹۵/۲؛ ابن اثیر، همان). رسول خدا ﷺ علاوه‌بر جزیه با آنان، بر حفظ و امنیت مال و جان، آئین و کلیساهای آنان و جایگاه‌های دینی راهبان و کاهنان پیمان بست. در فرازی از آن پیمان‌نامه آمده است: «نجرانیان ... دو هزار حلّه هر یک به بهای یک اوقیه باید ادا کنند، در هر ماه رجب، هزار حله و در هر ماه صفر، هزار دیگر... و اگر خراج را به شکل زره‌ها و اسبان و اشتران یا متاع دیگر دهند از ایشان به حساب پذیرفته خواهد بود... نجران و پیرامون آن مورد حمایت خدا و ذمه محمّد پیامبر فرستاده خداوند خواهد بود. آنان بر جان‌ها، مذهب، سرزمین و اموال خود ایمن خواهند بود، چه آنان که غائب‌اند و چه کسانی که حاضرند و چه فرمانروایان و چه سپاهیانشان، و نیز نسبت به صلیب‌ها و شمایل‌هایشان در امان خواهند بود، و هر وضعی که داشته‌اند دگرگون نخواهد شد و حقوق و تعالیم مذهبی ایشان مورد تغییر قرار نخواهد گرفت. هیچ اسقفی از اسقفیت خود و هیچ راهبی از رهبانیت خویش و هیچ کاهنی از مقام خویش رانده نخواهد شد، و تمامی متعلقات ایشان از کم و زیاد برای آنان به جا خواهد ماند. به مناسبت تقصیرات و خونریزی‌های مربوط به دوران جاهلیت مأخوذ نخواهند بود، به خدمات جنگی فراخوانده نخواهند شد و عُشر نخواهند پرداخت و سپاه به خاک ایشان وارد نخواهد شد. آنان که در پی احقاق حق باشند نسبت به ایشان انصاف إعمال خواهد شد، و هیچ ظالم و مظلومی در نجران نخواهد بود. هر که از این پس رباخواری کند، ذمه من از او بری است. هیچ کس به خاطر ستم دیگری مأخوذ نخواهد بود. نسبت به مفاد این نامه عهد خدا و ذمّه محمّد پیامبر تا رسیدن امر خداوندی برپا است، مادام که اهل نجران طریق نصیحت در پیش گیرند و به تعهدات خویش به درستی عمل کنند، و بر ایشان تکلیفی به ظلم روا نخواهد شد...» (بلاذری، *فتوح البلدان*، ۷۲).

نکته مورد نظر اول در این ماجرا، ابتدا نوع برخورد رسول خدا ﷺ با گروه مسیحیان نجرانی است که وارد مسجد مسلمانان شدند و قصد اجرای نماز و مناسک دینی داشتند. رسول خدا ﷺ به اصحاب خود سفارش کرد تا کسی مانع اجرای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

مناسک آنان نشود. نکته دوم در این ماجرا، متن و محتوای پیمان‌نامه رسول خدا ﷺ با مسیحیان نجران است چرا که در آن پیامبر ﷺ با وجود توسعه و استحکام بنیان حکومت اسلامی پس از فتح مکّه و سلطه بر بسیاری از سرزمین‌های حجاز و اوج قدرت نظامی خود، در تعامل با مسیحیان نجران بر ایمن بودن جان‌ها، مذهب، سرزمین و اموال آنان تأکید کرد. در ابتدای این پیمان، رسول خدا ﷺ بر آنان پرداخت دوهزار حلّه در سال را مقرّر می‌کند امّا برای جلوگیری از تکلّف و رنج آنان، این مقدار را تقسیط بر دو شش ماه می‌کند و سپس می‌فرماید در صورت عدم تهیه حلّه، می‌توانند کالاهای دیگر را جایگزین آن کنند. در ادامه این پیمان‌نامه، در امان بودن مردم نجران اعم از نظامی و غیرنظامی، عدم تعدّی به آئین مسیحیت و نمادهای آن همچون صلیب و شمایل و کلیساها، محفوظ ماندن و محترم شمردن اموال مسیحیان، محفوظ ماندن جایگاه علمای دینی آنان در کلیساها و دیرها، عفو و بخشش نسبت خطاهای گذشته آنان در عصر جاهلیت، عدم بکارگیری آنان در جنگ‌ها، رعایت عدالت در دادخواهی آنان و تأکید بر ترک رباخواری و در عین حال تهدید بر تداوم رباخواری و مؤاخذه بر آن بیان شد. در واقع این پیمان‌نامه از بهترین منابع برای درک خوانش و رویکرد تعاملی پیامبر ﷺ با مسیحیان به عنوان اهل کتاب به جهت توجّه و احترام ایشان به بنیان اولیه و ریشه ابراهیمی آئین مسیحیت است. حضرت محمد ﷺ هرگز اهل کتاب را بر پذیرش اسلام مجبور نکرد؛ بلکه رویکرد ایشان، پذیرش اسلام با طیب نفس و تفکر بوده‌است و حکم بر پرداخت جزیه و تحت حمایت حکومت اسلامی قرار گرفتن، قدمی در راستای تعاملات و مراودات بیشتر امت مسیحی با امت مسلمان و آشنایی با تعالیم ناب اسلام بوده‌است. این رویکرد برخلاف رفتاری بود که ایشان با مشرکان بت‌پرست داشته‌اند چرا که بت‌پرستان هرگز مُخیَّر بر انتخاب جزیه و بقا بر آموزه‌های شرک‌آمیز خود نبوده‌اند؛ بلکه پس از شکست، چاره‌ای جز پذیرش و تسلیم شدن در مقابل تعالیم اسلام نداشتند و نمادهای شرک‌آمیز آنان إمحا می‌شد؛ چنانکه پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام پس از فتح مکّه تمامی بت‌های درون کعبه را از بین بُردند.

همچنین در ایامِ توقّف در تبوک، یوحنا بن رُؤبه، حاکم سرزمینِ مسیحی‌نشینِ أیله،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

نزد رسول خدا ﷺ آمد و بر پرداخت جزیه صلح کرد و سپس حـاکم أذرح و جربـاء نیز نزد ایشان آمدند و بر جزیه صلح کردند (ابن اثیـر، ۲۸۰/۲) و هـم‌پیمـان سیاسـی و نظامی مسلمانان شدند تـا بـا پرداخـت مالیـات سـالیانه، از حمایـت نظـامی و سیاسـی حکومت اسلامی برخوردار شوند و در عین حال بتوانند آزادانه بر آئین خود باقی بمانند و در واقع جزئی از شهروندان جامعه نبوی شوند.

قابل ذکر است که نگرش رسول خدا ﷺ در تعیین جزیه بر اهل ذمّه، رعایت انصاف و اعتدال بوده‌است از این‌رو وقتی پیامبر ﷺ عبدالله بن ارقم را متولّی دریافت جزیـه از ذمّیان قرار داد، به وی فرمود: «آگاه باشید کسی که بر هم‌پیمان ستم کند یا بـر او بـیش از طاقتش تکلیف کند یا او را تحقیر کند و یا چیزی را بر خلاف رضـایت وی از او بگیـرد، من در روز قیامت او را بازخواست خواهم کرد» (ابویوسـف، ۱۳۹). ایـن گـزارش نشـان رحمت وسیع رسول خدا ﷺ و نگرش عادلانه ایشان نسبت به اهل ذمّه است و همسو با پیمان‌نامه مردم نجران، سهم جدّی در تعیین خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیان دارد. این پیمان‌نامه‌ها، حاکی از رویکرد صلح‌جویانه و سیره مبتنی‌بر گفتگو با اهل کتاب توسط رسول خدا ﷺ است؛ چنانکه با یهودیان مدینه و اطراف آن نیز در بدو ورود، صلح‌نامه امضا شد تا بر اساس آن تحت حکومت تازه تأسیس اسلامی زندگی کنند؛ امّا یهودیان بـر خلاف مسیحیان این پیمان‌نامه‌ها را زیر پا گذاشته و با مشرکان مکّه در جنگ‌هـای مقابـل مسلمانان همکاری کردند؛ لذا رسول خدا ﷺ با آنان مبـارزه و آنـان را از منـاطق خـود تبعید کرد (ابن هشام، ٤٧/٢، ١٩٠، ٢١٤، ٢٣٣، ٢٩٠).

۵- برخورد نظامی رسول خدا ﷺ با مسیحیان

رویکرد اولیه در سیره رسول خدا ﷺ با مسیحیان به‌عنوان اهل کتاب آسمانی، تعامـل و مماشات ضمن دعوت به آئین حق و اکتفاء به جزیه برای حمایت حکومت اسـلامی از آنان بوده‌است امّا در مواردی نیز برخی از قبایل مسیحی به دلیل تعصّبات دینی و فریفتگی از حمایت نظامی امپراتوری روم به تقابل نظامی با حکومت اسـلامی روی مـی‌آوردنـد و همچنین حکومت مسیحی بیزانس نیز به دلیل احساس خطر از جانب دولت تازه تأسـیس

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

اسلامی، به غلبه نظامی و تسلّط بر حکومت نوپای اسلامی امید داشت. در چنین مـواقعی رسول خدا ﷺ برای حفظ امنیت مسلمانان و حکومت اسلامی، با آنان مقابله به‌مثل کرد و با توان نظامی خود مقابل آنان ایستاد. این رویکرد پیامبر ﷺ ناظر به همان حکم جهاد با اهل کتاب در آیه ۲۹ سوره توبه بوده‌است. اکنـون چنـد مـورد از برخوردهـای نظـامی رسول خدا ﷺ با قبایل یا حکومت‌های مسیحی بیان می‌شود:

اولین برخورد نظامی میان مسلمانان و مسیحیان غزوه دُومَـه‌الجَنـدَل اسـت. در سـال پنجم هجری گروهی از مردم قضاعه و غسّان (از قبایل مسیحی) تصـمیم بـر جنـگ بـا مسلمانان گرفتند و دور هم جمع شدند. رسول خدا ﷺ به سوی آنجا حرکـت کـرد، امّا پیش از رسیدن پیامبر ﷺ، آنان متفرق شدند و بازگشـتند؛ لـذا نزاعـی در نگرفـت (بلاذری، *انساب الاشراف*، ۳٤۱/۱).

سه سال بعد، در جمادی الاول سـال هشـتم هجـری و پـیش از فـتح مکّـه، رسـول خدا ﷺ دستور اعزام سپاهی سه هزار نفری به سوی غسّان در نزدیکی سـرزمین روم داد که به جنگ مؤته معروف شد. واقدی (۷۵۵/۲–۷۵۷) علّت وقوع این جنگ را کشته شدن حارث بن عمیر أزدی (حامل نامه رسول خدا ﷺ نزد پادشاه بُصری بـه جهـت دعوت به اسلام) توسط شُرحبیل بن عمرو غسّانی ذکر مـی‌کنـد. رسـول‌الله خطـاب بـه فرماندهان مؤته چنین فرمود: «... به نام خدا و در راه او جنگ کنید، با هر کس که خـدا را کافر (کفّار اهل کتاب) باشد جنگ کنید، در عین حال مکر و فریب بـه کـار مبریـد و غل و غش مکنید و کودکان را نکشید، و چون با دشمنان مشرک (مسیحیان) برخوردید آنها را به یکی از سه چیز دعوت کنید، و هر پیشنهاد را که پذیرفتند قبول کنید و دست از ایشان بدارید، نخست به اسلام دعوتشان کن، اگر پذیرفتند از ایشان بپذیر و از جنگ با ایشان دست بدار، دوم اینکه از ایشان بخواه تا از سرزمین خود بروند و هجرت کنند، و اگر پذیرفتند اعلام کن که برای آنها همان حقوقی منظور خواهد شد که برای دیگران، و اگر مسلمان شدند و ترجیح دادند که در سرزمین‌های خود باشند، به آنها خبر بده که حکم ایشان مانند حکم عرب‌های دیگری است که مسلمان شده‌اند. احکام الهی دربـاره آنها اجرا خواهد شد، و برای آنها از فیء و غنایم سهمی نخواهد بود، مگر اینکه همـراه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

مسلمانان در جهاد شرکت کنند. اگر از پذیرفتن این دو مطلب خودداری کردند، آنها را به پرداخت جزیه دعوت کن، و اگر پذیرفتند تو قبول کن و دست از ایشان بردار، و اگر از تمام این پیشنهادها سرپیچی کردند، از خدا یاری بخواه و با آنها کارزار کن...».

در این نامه نگرش تعامل‌جویانه رسول خدا ﷺ نسبت به اهل کتاب به وضوح بیان شده‌است. از سویی مسیحیان همان پیروان سه‌گانه‌پرستی و تارکان توحید اصیل ابراهیمی هستند، از سوی دیگر مسیحیت در تأسیس مزیّن به نبی اولوالعزم، حضرت عیسی علیه‌السلام و مهبط کتاب آسمانی انجیل است از این‌رو رسول‌الله به احترام ریشه الهی و وحیانی آن دین، ابتدا مجاهدین مسلمان را از مکر و فریب و کشتار کودکان نهی فرمود و سپس مسیحیان را بر چند امر مخیّر کرد.

برخورد دیگر مسلمانان با مسیحیان در نبرد تبوک در سال نهم و پس از فتح مکّه بود. در آن سال برای پیامبر ﷺ خبر آوردند که هرقل روم برای جنگ با مسلمانان، قبائل لخم و جذام و غسّان و عامله را با خود همراه ساخته است (واقدی، ۹۹۰/۳). رسول خدا ﷺ نیز همراه با لشکری از مسلمانان به سوی روم حرکت کرد امّا خبری از سپاهیان روم نشد و سپس بدون جنگ و نزاعی با رومیان به مدینه بازگشت (طبری، ۱۰۹/۳). همچنین در همان ایامی که پیامبر ﷺ در تبوک بودند، خالد را با سپاهی به سوی أکیدر بن عبدالملک، بزرگ و صاحب دومه الجندل، فرستاد و به وی فرمود: «او را در حال صید گاو کوهی خواهی یافت» و چنین شد و خالد او را در آن حال اسیر کرد و نزد پیامبر ﷺ فرستاد. رسول خدا ﷺ کشتن وی را منع کرد و بر پرداخت جزیه با او صلح کرد (مقدسی، ٢٤٠/٤).

بنابراین چنانکه بیان شد رویکرد رسول خدا ﷺ با محوریت تعالیم قرآن کریم در مواجهه با اهل کتاب با توجّه به ریشه ابراهیمی و وحیانی آنان، تعامل، مماشات و احترام به آئین و مناسک آنان، ضمن دعوت به اسلام و صراحت در بیان انحرافات اعتقادی و عواقب اخروی آن بوده‌است. زمانی که تعامل و مماشات با اهل کتاب موجب سلب امنیت جامعه اسلامی می‌شد، رسول‌الله رویکرد جهاد و مقاومت را در رویارویی با آنان انتخاب می‌کرد تا با شکست سران و رؤسای کفر، اولاً تهدید از امت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

مسلمان دور شود و ثانیاً بیان حق و تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم آزادانه به گـوش مـردم آن سرزمین‌ها رسانده شود تا بستری برای هدایت آنان فراهم شود.

نتیجه

تعاملات و مواجهـه‌هـای رسـول خـدا ﷺ بـا مسـیحیان در طـول دوران رسـالت، انگاره‌ای از مسیحیت و مسیحیان را در سیره نبوی ترسیم کرد کـه همنـوا و همسـو بـا انگاره قرآنی بوده‌است. در این انگاره، احترام و حفظ قداست حضـرت عیسـی علیه‌السلام بـه عنوان نبی الوالعزم و مادرش مریم مقدّس مورد تأکید است. مسیحیان بـه‌عنـوان پیـروان یکی از ادیان ابراهیمی و دارای کتاب آسمانی مورد حُسن خُلق، برخورد رئوفانه، عفو و رحمت از سوی پیامبر اسلام ﷺ بوده‌اند. برخی از آنان نقاط قـوّتی همچـون عـدالت خواهی، صداقت و مودّت نسبت به مسلمانان داشتند. رسول خدا ﷺ آنـان را پـس از پیمان صلح و جزیه، در بجا آوردن مناسک دینی آزاد گذاشت. دریافـت جزیـه نیـز بـر محور اعتدال و انصاف و با حفظ جایگاه عالمـان و راهبـان و امـاکن دینـی آنـان بـود. مسیحیان با توجه به ریشه ابراهیمی، اجباری بر پذیرش اسلام نداشته‌اند و بر پیمان‌نامـه صلح و جزیه در مقابل تأمین امنیت آنان توسط حکومت اسـلامی و یـا هجـرت کـردن بدون تعدّی و تجاوز، مخیّر بودند؛ بر خلاف مشرکین غیـر اهـل کتـاب کـه بـر مـوارد مذکور مخیّر نبودند. در این انگاره گرچه احترام به مقدّسات دین مسـیحیت لازم اسـت امّا انحرافات اعتقادی آنان همچون سه‌گانه‌پرستی و الوهیت مسـیح، شـرک و گمراهـی آنان از حقیقت به صراحت بیان و اسلام به عنوان تنها راه رستگاری و نجات از عقوبت معرفی می‌شود. محور پایانی این انگاره نیز ضرورت حفظ امنیت مسلمانان در مقابل آن دسته از مسیحیانی است که بنای بر تعامل و صلح با مسلمانان نداشتند و تهدیدی بـرای امنیت حکومت اسلامی بوده‌اند. در چُنین مواقعی برخورد نظامی با آنـان جهـت حفـظ امنیت مسلمانان مورد توجّه بوده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

منابع

- قرآن کریم.
- ابن أثیر جزری، عزّالدین، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵.
- إبن أعثم کوفی، محمد، الفتوح، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- ابن قتیبه دینوری، أبومحمد، المعارف، قاهره، الهیئة المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
- ابویوسف، الخراج، قاهره، المکتبه الأزهریه التراث، ۱۴۳۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- _____، فتوح البلدان، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- پیری اردکانی، منصوره، «مناسبات فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در سده نخستین هجری»، راهنما: ابوالقاسم پیاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، تابستان ۱۳۹۱ش.
- پیگو لوسکایا، نینا ویکتورونا، اعراب حدود مرزهای ایران و روم شرقی، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۸۴ش.
- ژیلیو، کلود، «مسیحیان و مسیحیت در تفاسیر اسلامی»، در مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمد حسین محمدپور، مشهد، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ش.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ العرب فی عصر الجاهلیه، بیروت، دارالنهضة العربیه، بی‌تا.
- سعادت، احمد، «سیره سیاسی و مبارزاتی اعظم ﷺ با اهل کتاب»، نشریه کوثر معارف، سال دوم، شماره۱، دی ۱۳۸۵ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲.
- علی بیگی، حسین و همکاران، «مواضع سیاسی- نظامی پیامبر ﷺ در مواجهه با مسیحیان جزیره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]

العـــــرب»، پژوهشـــــنامه تـــــاریخ اســـــلام، ش۳۰، تابســـــتان ۱۳۹۷ش، ص۵-۳۰.
DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.30.1.5

– گُدارد، هیو، تاریخ روابط إسلام و مسیحیت، ترجمه منصور معتمدی و زهرا مؤدب، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.

– گرامی، سید محمد هادی، مقدمه‌ای بر تاریخ نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای، تهـران، نشـر دانشـگاه امـام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۶ش.

– مراد، سلیمان، «مسیحیت و مسیحیان در سیره نبوی» در مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمد حسین محمدپور، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ش.

– مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹.

– مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، بی‌تا.

– مقریزی، احمد بن علی، إمتاع الأسماع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰.

– واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹.

– یداللـه‌پور، مـریم و معصـومه یداللـه‌پور، «بررسـی سـیره نظـری و عملـی پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بـا مسـیحیان جزیرةالعرب»، نشریه تاریخ پژوهی، سال۱۴، ش۵۲، پاییز۱۳۹۱ش، ص۴۳-۶۲.

– یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.49.5]